

گفت وگو

پریسا غفاری
گروه ورزشی

روئای صعود به جام ملت‌های آسیا بار دیگر برای تیم ملی فوتبال زنان ایران دست‌یافتنی شد؛ روئایی که بازیکنان تیم ملی با تلاش‌ی مثال‌زدنی و پایان خوش، برای مردم کشور زنده کردند. این دومین حضور دختران ایرانی در جام ملت‌هاست و این بار در سرزمین کانگوروها، اما با تفاوتی بزرگ؛ آنها قصد ندارند دست خالی بازگردند و به دنبال کسب سهمیه جام جهانی هستند. زهرا قنبری کاپیتان تیم ملی، و زهرا خواجوی دروازه‌بان تیم، دو بازیکنی هستند که در موسسه حضور یافتند و در گفت‌وگویی با روزنامه «ایران» از لذت شیرین صعود و دغدغه‌های‌شان برای موفقیت در جام ملت‌ها گفتند.

معجزه تیم ملی را در اردن رقم زدید با وجود اینکه سختی‌های زیادی قبل از اعزام به جان خریدید؟

قنبری: بعد از شرایط متفاوتی که برای کشور پیش آمد و وقفه‌هایی که در برگزاری اردو و تمرینات تیم ملی بوجود آمد، فکرمی‌کنم قشنگ‌ترین اتفاقی که برای فوتبال و برای کشورمان رخ داد، رفتن به جام ملت‌ها بود و اینکه لحظه‌ای لیخنه به لبان مردم نشست. **خواجوی:** از دید من فوتبال از سیاست جداست، من نه آدم سیاسی هستم و نه از سیاست چیزی می‌دانم ولی لازم دانستم که این حرف‌ها را بزنم. بعد از هم‌گروهی با اردن و اتفاق‌هایی که در کشورمان رخ داد، شنیدم که اردنی‌ها در این حملات مشارکت داشتند. پس از صمیم قلب آرزوی می‌کردم اردن را ببریم. وقتی سوت پایان بازی را زدند تمام ذهن من این بود که به آنها بگویم ما نماینده ایرانیم و حالا حالاها هستیم. جدا از فوتبال به خاطر مردم و عرفی که به ایران دارم خوشحال بودم. چا دارد از همه مردم ایران تشکر کنیم که ما را مورد لطف قراردادند و ان‌شاءالله با دعای خیرشان در استرالیا هم شگفتی‌ساز شویم.

مقابل اردن گل به خودی داشتیم. چه دقایق وحشتناکی برهمه ما گذشت.

خواجوی: درست است یک لحظه همه چیز بهم ریخت و ۳ دقیقه پایانی مثل ۳۰ دقیقه گذشت. حتی خانم جعفری فشار روحی و روانی زیادی را تحمل کرد. ولی ذهن ما بازنده نشد چون مطمئن به برد بودیم. زهرا قبل از مسابقه با اردن نتیجه ۲-۰ یک را پیش‌بینی کرده بود.

قنبری: اردنی‌ها همیشه در بدترین زمان ممکن مقابل ما ظاهر شده‌اند. در دوره قبلی، با ضربات پناالتی موفق به شکست‌شان شدیم و این بار هم بازیکنان ما با تجربه‌تر شده و توانستند خود را جمع و جور کنند. در آن لحظه، شوک شدیدی به من وارد شد، اما فقط به خودم می‌گفتم: «اشکال ندارد، ادامه بده.» اگر بخواهم رک بگویم، اگر زودتر گل می‌خوردیم، شاید دچار سکت می‌شدیم! اما ذهنیت برنده بازیکنان، به آنها قدرت و توانایی ویژه‌ای بخشید.

در مسابقه آخر، شما، یعنی زهراهای تیم ملی در میدان نبودید، چقدر این مساله سخت بود؟

قنبری: برای من خیلی سخت بود، ولی باید ظاهرم را حفظ می‌کردم و به بچه‌ها قوت قلب می‌دادم. هیچ وقت این تجربه را نداشتم که در چنین مسابقه مهمی روی سکو بنشینم. باور می‌کنید بیشتر از بازیکنان تو زمین فشار تحمل کردم و درختکن سردرد شدیدی گرفتم. خدا را شکر با خوشحالی تمام شد.

خواجوی: تجربه من که خیلی وحشتناک بود و فقط دعا می‌کردم. همه یکدل بودیم که بازی را ببریم و فرقی نمی‌کرد چه کسی درون دروازه ایستاده باشد و چه کسی روی نیمکت نشسته باشد.

مسابقه با اردن هم حساسیت بالایی داشت؟

خواجوی: بله، اما کادر فنی آنالیز بسیار خوبی از تیم اردن انجام داده بود و برای خارج کردن بازیکنان از شوک باخت به لبنان زحمات زیادی کشیدند. سه جلسه آنالیز و ارزیابی تک‌تک ملی‌پوشان اردن، کار را تمام کرد.

در کل مردم از صعود تیم زنان بسیار خوشحال شدند؟

قنبری: فکرمی‌کنم بخش مهم صعود ما مربوط به خوشحالی مردم و حمایت‌های قبل و بعد از آن بود. امیدوارم در جام ملت‌ها هم به حمایت‌های خود ادامه دهند و دعای‌مان کنند تا در آنجا اتفاق تاریخی دیگری را رقم بزنیم.

مرحله انتخابی را با بردهای پرگل آغاز کردید. اما بازی با لبنان سه گل خوردیم و در جریان بازی درگیری هم داشتید. چرا این اتفاق افتاد؟

قنبری: لبنانی‌ها خیلی کروی می‌خواندند و خشن هم بازی می‌کردند و داور هم در نتیجه باخت ما تأثیرگذار بود. دو پنالتی صد درصد به نفع ما گرفته نشد. مطمئناً اگر یکی از آن پنالتی‌ها گل می‌شد، روند بازی

و نتیجه به‌طور کامل تغییر می‌کرد. البته روز بد ما هم بود و موقعیت‌های زیادی را از دست دادیم. برعکس، لبنانی‌ها فقط سه فرصت داشتند که هر سه را به گل تبدیل کردند. در کل، تقصیر باخت به گردن همه ماست، اما همین شکست شوک خوبی برای ما بود تا در مسابقه با اردن، با تمرکز و آگاهی بیشتری بازی کنیم.

۸۳۲ روز تیم ملی برد نداشت. ولی با آمدن مرضیه جعفری تبدیل به تیمی شدید که نه تنها می‌برد بلکه گل‌های زیادی به ثمر می‌رساند.

قنبری: نظر شخصی خودم این است که کادر فنی قبلی زحمات خود را کشیدند اما تأییم خوبی کنار هم قرار نگرفتیم. بعضی اوقات نتیجه نگرفتن به خاطر بدشانسی یا مربوط به استراتژی مربی است که جواب نمی‌دهد. در کل فوتبال ایران بازیکنان مستعد و توانمند زیادی دارد و در حال حاضر تیم ملی فوتبال زنان در بهترین فرم خود است. فقط باید حمایت شوند. از طرفی شناخت خوب خانم جعفری از بازیکنان و تفکرات درست و جو خوب تیم، امکان صعود را فراهم کرد. برگ برنده تیم ما خانم جعفری بود.

شما سال‌ها در تیم باشگاهی خانم جعفری بازی کردید و می‌دانید که او مربی تئرسی است و همیشه تیمش را به بازی تهاجمی تشویق می‌کند. فکر می‌کنید این تفکر به تیم ملی هم منتقل شده است؟

خواجوی: صددرصد. او بسیار شجاع است و کسی نیست که در مسابقه، دفاع اتوبوسی بچیند. حتی در سخت‌ترین بازی‌ها ممکن است پنج گل بخوریم، اما حتماً شش گل می‌زنیم. جعفری مربی‌ای با ذهنیت برنده است و اصلاً به تساوی یا باخت فکر نمی‌کند. این رویکرد را به تیم ملی هم آورد و شما نتیجه‌اش را دیدید.

قنبری: واقعاً تیمی هجومی داشتیم و جرأت نمی‌کردیم از همان ابتدا! پرسینگ را کنار بگذاریم.

در هنگام بازی‌ها، مرتب صدای تشویق از روی نیمکت، فضای استادیوم را پرمی‌کرد. آیا حواس بازیکنان پرت نمی‌شد؟

خواجوی: درون دروازه تمرکز من به زمین است. ولی بچه‌ها در بحث فنی دخالتی نداشتند و فقط بحث تشویق بود. همه اینها نشان از همدل بودن تک‌تک‌مان بود.

پیش از اعزام شرایط خوب نبود. تعطیلی ۱۲ روزه، کادر فنی و ملی‌پوشان را یک بحران روبه‌رو کرد. همه بین رفتن و نرفتن مانده بودید؟

خواجوی: واقعاً شرایط خیلی سختی بود. اردوهای ما خیلی دیر تشکیل شده بود و کادر فنی و بازیکنان خیلی تلاش کردند تا به آمادگی لازم برسند، ولی با شرایط متفاوتی که در کشور پیش آمد، تحت فشار روحی و روانی قرار گرفتیم. باورتان نمی‌شود حتی با تشکیل دوباره اردوها و صحبت قطعی از اعزام هنوز باور نمی‌کردیم که به اردن می‌رویم. خدا را شکر ولی اتفاق افتاد.

ولی شما به عنوان کاپیتان و همچنین خود سرمربی تیم ملی این شرایط را خوب مدیریت کردید و تیم را با آرامش به اردن فرستادید.

قنبری: در روزهایی که باید سخت تمرین می‌کردیم، شرایط این کار وجود نداشت ولی ایمان به هدف و صعود به جام ملت‌ها در ما نهادینه شده بود. دخترهای ایرانی



عکس ها: رضا معطران / ایران

گفت‌وگوی روزنامه ایران با دو بازیکن تیم ملی فوتبال زنان ملی‌پوش در زمین‌های درجه ۳ بازی می‌کنند

همیشه در سخت‌ترین حالت ممکن به خواسته‌هایشان رسیده‌اند و اینجا هم به لطف خدا و مردمی که دعاهایشان پشت سر ما بود، راهی شدیم و به موفقیت هم‌پوئستی و ۲۰ روزی که تمرین‌ها تعطیل

شده بود، من و خانم جعفری فقط به دنبال حفظ روحیه بازیکن‌ها و تیم ملی بودیم تا انگیزه‌ها را حفظ کنیم.

گفته می‌شود در زمین‌های نامناسب تمرین می‌کردید و تعدادی از بازیکنان



تیم ملی به خاطر کیفیت نامطلوب زمین هم آسیب دیدند و انتخابی را از دست دادند. خودتان ترس از مصدومیت نداشتید؟

خواجوی: بله، در زمین‌های خیلی خوب تمرین نداشتیم و خود من در یکی از دیدارهای تدارکاتی از ناحیه مینیسک و رباط صلیبی آسیب دیدم و به سختی بازی می‌کردم. فکر کنم اگر به‌خاطر جنگ احتمالی ۱۲ روزه بازی‌ها به تأخیر نمی‌افتاد به مسابقات نمی‌رسیدم. در طول اردوها بازیکنان زیادی را از دست دادیم ولی الان خوشحال هستیم که به جام ملت‌ها رفته‌ایم تا آنها هم شانس دوباره‌ای برای حضور در ترکیب تیم ملی داشته باشند. **قنبری:** نبود تعدادی از دوستان به دلیل مصدومیت ما را خیلی ناراحت کرد برای همین مسأله آخر بازی اردن و بعد از صعود پیغامی برای آنها فرستادم و گفتم امیدوارم شرایطی فراهم شود که با ما راهی جام ملت‌ها شوند و آنجا اتفاق بزرگتری را با هم رقم بزنیم.

شما از یک دوران نفاقت طولانی بعد از واقعه تصادف بم به میدان برگشتی، اتفاقی که در اثر آن متأسفانه ملیکا محمدی عزیز را هم از دست دادیم. کمی از آن اتفاق صحبت می‌کنید و اینکه چطور دوباره برگشتی و دروازه‌بان یک تیم ملی شدی؟

خواجوی: سخت‌ترین قسمت آن روزها از دست دادن ملیکا بود. برای من هیچ جوره قابل قبول نبود. من همیشه این را گفتم‌ام که با رفتن ملیکا، ای‌کاش من و بهناز هم می‌رفتیم. روزهای سختی را من و دوستان هم تیمی پشت سر گذاشتیم. ملیکا یکی از بهترین بازیکنان ایران بود که هنوز هم بازیکن کاملی در پست او نیامده است. نبود او در این مسابقات هم کاملاً مشخص بود و اگر بود کمک بیشتری به تیم ملی می‌کرد. من هم آن سال در حال پشت سر گذاشتن یکی از بهترین فصل‌های ورزشی‌ام بودم که به ناگاه همه چیز نابود شد. در آن روزها کسی کنارم نبود و بدی ماجرام هم همین بود. یعنی انگار من زهرا خواجوی‌ای نبودم که ۱۲ سال در تیم ملی بازی کردم و فقط به عنوان یک بازیکن مصدوم نگاهم کردند. انتظار داشتم کنارم می‌مانند و با من همدردی می‌کردند ولی افسوس... خدا را شکر می‌کنم که لطفش شامل حال من شد و دوباره برگشتم.

برای پوشیدن دوباره پیراهن شماره یک تیم ملی (دروازه‌بان) رقبای مطرحی مثل مریم یکتایی، زهرا کودایی، عارفه سید کاظمی و... داری. فکر می‌کنی باز هم این پیراهن مال توست؟

خواجوی: فوتبال یک قانون نانوشته دارد و آن هم تلاش است. انگیزه‌های شخصی‌ام زیادتر شده و بیشتر تلاش می‌کنم. هنوز می‌توانم ثابت کنم لیاقت آن لباس را دارم. البته هر چه خواست خداست و تصمیمی که کادر فنی می‌گیرد.

شما در غم از دست دادن پدرتان بودید، اما با وجود همه سختی‌ها برای مردم کشور جنگیدید و باعث شادی آنها شدید. شاید در آن لحظه، بعد از شادی گلت، فکر نمی‌کردید که کارت زرد بگیرد؟

قنبری: واقعاً نمی‌دانستم که با نشان دادن عکس پدرم کارت زرد می‌گیرم. ارزش پدرم برای من خیلی بالاست و فقط می‌خواستم بگویم که یادش با من است و این گل را به او تقدیم کنم. هرچه دارم از اوست.

طبق دستورالعمل فیفا ۶ تیم آسیایی سهمیه مستقیم و دو تیم از طریق مسابقه بین قاره‌ای جواز جام جهانی برزیل را می‌گیرند. اگر به جمع ۴ تیم برویم، صعود مستقیم می‌کنید؟!

خواجوی: بعد از صعود، فدراسیون و کادر فنی قول دادند که اردوها و بازی‌های تدارکاتی خوبی تدارک ببینند. البته از ۱۴ سالگی دارم این حرف‌ها را می‌شنوم ولی اگر قرار است مثل اردن راهی مسابقات شویم، خیلی بد خواهد شد. آنجا همت بازیکنان و کادر فنی جواب داد ولی در استرالیا صرفاً با همت و غیرت نمی‌شود به میدان رفت. اگر امکانات فراهم باشد می‌توانیم به صعود جام جهانی امیدوار شویم. ما نشان داده‌ایم بازیکن دیدارهای سخت هستیم.

قنبری: همان‌طور که گفتم در جام ملت‌ها ان‌شاءالله، ماشاءالله جواب نمی‌دهد. برنامه‌ریزی و بازی تدارکاتی خوب می‌خواهد. مطمئن باشید اگر به این تیم رسیدگی شود، می‌تواند در استرالیا یقه بسیاری از تیم‌ها را بگیرد. البته نمی‌توان از حالا قول صعود داد تنها می‌توانیم بگوییم با تمام توان برای شادی مردم می‌جنگیم. از فدراسیون هم می‌خواهیم امکانات بیرون زمین را برای ما فراهم کند تا ما درون زمین بهتر بجنگیم. شما بهترین تیم ملی را دارید، پس بهترین استفاده را از آن ببرید.

در خصوص پاداش‌ها کمی صحبت کنیم ۲۰۰ یورو در مجموع پاداش گرفتید که در قبال پسران این مبلغ دور از ذهن بود؟

قنبری: در تیم ملی هیچ وقت به پاداش فکر نکرده‌ام و همیشه به پوشیدن پیراهن تیم ملی افتخار کرده‌ام. قطعاً اردوها، امکانات و پاداش‌های ما به اندازه مردان نیست، حتی اسپانسرهای برای خانم‌ها وجود ندارد ولی اگر قرار بود به این مشکلات فکر کنیم نمی‌بایست به تیم ملی می‌آمدیم. من از ۱۳ تا ۱۴ سالگی به تیم ملی آمدم و همیشه برای پیروزی تیم ملی جنگیدم. الان هم صحبت ما این نیست که همه چیز برابر شود، ولی دوست داریم تیم ملی مردان از خانم‌ها حمایت کند، همان‌طور که رونالدو از تیم ملی بانوان کشورش حمایت می‌کند. امیدواریم فاصله امکانات و پاداش‌ها کمتر شود، حق زنان اینقدر تفاوت نیست.

تفاوت پاداش‌ها به اختلاف قراردادها هم برمی‌گردد؟

خواجوی: مدتی قبل داشتم حساب می‌کردم من و آقای بیرانوند هر دو دروازه‌بان تیم ملی هستیم، ولی دریافتی من یک سدهم قرارداد بیرانوند هم نمی‌شود. طبعاً اختلاف درآمد ما طبیعی است، اما اختلاف ۹۹ درصدی خیلی بد است.

قنبری: اختلاف ۹۹ و نیم درصد (با لیخنه)، تازه فوتبال زنان از نظر امکانات تمرین و محل برگزاری مسابقات تفاوت زیادی با فوتبال آقایان دارد. آقایان در ورزشگاه آزادی بازی می‌کنند، اما ما در زمین‌های درجه ۳ و ۴. بارها گفته‌ایم اما کسی نمی‌شنود. خیلی دوست دارم با تیم ملی در استادیوم آزادی بازی کنیم و همه بانوان ایرانی بتوانند به تماشای دیدار تیم ملی کشورشان بنشینند. برای ما این یک آرزو شده، چون استادیوم آزادی جو فوق‌العاده و خاصی دارد و میزبان بازی‌های بزرگ است.

همیشه ما با شرایط سخت بهترین نتایج را گرفته‌ایم و حداقل انتظار داریم تیم ملی بانوان یک مسابقه رسمی در ورزشگاه آزادی برگزار کند.

ای کاش آرزوها به حسرت تبدیل نشوند. دختران فوتبالی دنبال نگاه مظلومانه نیستند. باور کنید بارها در زمین‌هایی تمرین کرده‌ایم که پای بازیکنان تاول زده است. نمی‌خواهم فقط از سختی‌ها بگویم، اما کاش شرایط خوب همیشه پایدار باشد و بازیکنان تیم ملی دغدغه محل تمرین، پاداش و امکانات نداشته باشند.

خواجوی: ما بازیکنان تیم ملی حتی برای تمرینات پیش‌فصل مجبوریم به پارک‌ها برویم. پست من طوری است که باید با مربی مرد تمرین کنم، اما در بسیاری از جاها اجازه نمی‌دهند مربی مرد کنارم باشد.

امسال بانوان یک افتخار دیگر نیز کسب کردند: تیم خاتون بم موفق شد در رنکینگ باشگاهی آسیا در جایگاه هفتم قرار بگیرد. اما آیا خاتون بم می‌تواند در شهرستان بم میزبان تیم‌های آسیایی باشد؟

خواجوی: اصلاً، خاتونی‌ها شرایط میزبانی در آن زمین چمن مصنوعی را ندارند. خیلی خوب می‌شد اگر همان‌طور که تیم‌های استقلال و پرسپولیس در استادیوم آزادی میزبان لیگ قهرمانان می‌شوند، برای بانوان هم چنین امکانی فراهم می‌شد. نکته جالب این است که خاتون بم بهتر از آنها در آسیا نتیجه گرفته، ولی چه فایده! این را بدانید که برای ما ملی‌پوشان بسیار سخت است که پای‌مان به چمن آزادی نخورده، اما بارها در زمین‌های درجه ۴ و ۵ بازی کرده‌ایم.

ترجیح‌تان بازی در کدام تیم لیگ برتری است؟

قنبری: فعلاً که خاتون بم حرف اول را در ایران می‌زند. امیدوارم تراکتور و استقلال هم به لیگ برتر بانوان بایند تا فصل خوبی داشته باشیم.

خواجوی: من هم تمایل دارم در تیمی بازی کنم که بتوانم پیشرفت کنم.

